پژوهشی در مورد متانی فارسی علم معانی

سید علی اصغر میاپاتریفرد
اساتیدانشگاه اصفهان
سید مرتضی هاشمی
اساتیردانشگاه اصفهان

پیامدهایی از این مقاله به آن است تاشنا به دلیل مبحث در متانی فارسی علم معانی به سبب و منسجم نیست، در این آثار میان جمله‌های متقارن ادبی تمایز نشده است. علیه این، تفسیرهای آن بر اساس اشاره و تصویب خوانندگان بر قصد متقابل با مخاطب و سبک مهدی که در این مقاله با تقد و تفسیرهبندی‌های سخنگو کتاب‌های معانی بیشتر می‌گیرد که گروهی گروهی نگارده در حیطه زبان و جملات غیرحقیقی و ادغامی پایین در حوزه ادبیات نروژی شود و همچنین نگیردر لحن خواندن با شدت تلفظ کلمات، محدود و صفت یا صفت و موصوف آن را هزینه می‌کند و در بین قصرهای «آزاد، قلب، تبعین» شناخت مخاطب بسیار ضروری است. نهایتاً این باید جملات متقارن در یک انواع جمله و مقصود تانوی آن مشخص شده است. در بیان پیشنهاد می‌شود که در آموزش بی‌توجهی و تحلیل مبحث قصر پنج عنوان موضوع‌شناسی، ادبی‌شناسی، مخاطب‌شناسی، جمله‌شناسی و غرف‌شناسی، در نظر گرفته شود.

ا میر فارد@yahoo.com
s.m.hashemi@ltr.ui.ac.ir
Hekmatallah.safari@yahoo.com

دانشجو دکتری دانشگاه اصفهان

89/10/6
تاریخ پذیرش: 89/10/6
مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال 18، شماره 88، تابستان 1389
کلیدواره‌ها: علم معنایی، قصر، تقسیم‌بندی، سه‌گانه، خییر، مقصور، انشا، مقصود، مقاصد ثانوی

1. مقدمه

علم معنایی یکی از شاخه‌های علم‌های علم باشگاه است که کارکرد اصلی آن چگونگی مطالعه سخن با افق‌های خلا است. یکی از مباحث مهم علم معنایی "قصر" است. به همین سبب، آمیختگی موضوعات و تقسیم‌بندی‌های نارسایی موضوع شده است که اهمیت بیشتر برای خواننده پنهان بماند. تقسیم‌بندی "قصر" که بدرک نگرش گوینده به وجود آمده است، برای حتماً برای تئیین اعراض "قصر کلام" یا یافتن یا نگرش تفکر نویسندگان آشنایی می‌باشد.

"قصر" یکی از عوامل تأکید سخن است. با تئیین و تعیین دقیق کارکردهای آن می‌توان به‌خوبی از طریق یکی از مباحث علم معنایی به تجزیه و تحلیل آثار برداخت. این مقاله می‌کوشد، با اینکه به منابع مختلف علم معنایی، تقسیم‌بندی تازه‌ای در این مبحث ارائه کند. در این تقسیم‌بندی یک جمله مقصود در پنجم محور موضوع، مطالب، ادبیات کلام، نوع جمله و اعراض ثانوی بررسی می‌شود. هر چند مانند این محورها تئیین گردیده و یوزگی‌هایی از سبک و شخصیت صاحب اثر است.

نقد و تحلیل در مبحث قصر نشان می‌دهد که شیوه طبقه‌بندی مباحث نقشان دارد و طرحي دقیق برای آموزش یا تحقیق در مبحث قصر ارائه نمی‌کند. در تئیه هدف از بازنگری در این مبحث عرضه طرحي مناسب از شیوه راه یافتن در منابع باگیرگان است؛ علاوه بر آن، نمونه‌هایی از متن‌های ادب فارسی با عنوان شاهد مطالعه در زیر همین الگو ارائه می‌شود. نتایی طرح پیشنهادی درباره مبحث قصر و ارائه شیوه‌های جدیدتر را بر محققان آثار ادبی می‌کند. بنده نه که می‌توان با شاگردان گروهی منظم از "قصر" به بررسی شیوه‌های مقصور کردن کلام، انواع جمله مقصود و موضوعات
مختلف قصیده، بهداشت و از طریق آن آثار ادبی، بینش سیاسی، اجتماعی، عقیدتی شاعری یا جنبه روانشناسی کلام او را بررسی کرد.

همان‌گونه که مطرح شد، نبودن طرح منظم در قصر موجب شده است این مبحث به‌خوبی مورد توجه محققان و دانشجویان قرار گرفت. در این مقاله کار کرده‌ای مختلف جمله مقصور با توجه به اهداف علم معاونی نیز می‌شود. محرورهای پنج گانه‌ای که مؤلفان این مقاله م 발ه‌ندازی کرده‌اند نیز کننده همین اهداف است. در پی یک جمله مقصور، موضوع قصر شده در تعیین گذرگاه شاعری یا نویستن به مسائل مهم است با استفاده از قصر، می‌توان خروج یک جمله از حالت عادی و زبانی و رساندن به مرحله جمله‌ای را تعیین کرد. در مفاتیح شناسی جمله مقصور این موضوع اهمیت بیشتری می‌کند که گوینده در شکل دهنده جمله مقصور با چه تفکر احساس و عاطفه‌ای با مخاطب خود برخورد می‌کند که نتیجه آن شناخت حالات مختلف متکن به توجه به جمله‌های مقصور است. نهایتاً تهیه کمیابه‌گزاره کتاب‌های بلاینگ به اغراض ناشی، که اساس کار علم معاونی است، موجب شده است که کارگردان آن در انتقال معاونی نیز به‌خوبی مشخص نشود.

چرچایی دربار یا نپایب، موضوع مختلف حروف در شکل گیری قصر، را بررسی می‌کند و تجزیه و تحلیل مبحث خود را برآن قرار می‌دهد و نهایتاً نظریه نظم خود را نتیجه می‌کند. قصری در دوران طبقه‌بندی و تخصص و شرح مباحث علم معاونی، یعنی دوره مقبولیت متافا/علوم و اخلاق آن در قسم (استاد خبر: قرار می‌گردد. مظهر تفتیزی‌پسیکی از گسترش‌های مکرر بخش این دوران است که مبحث گردید را در ابعاد مختلف تهیه می‌کند. علاوه بر این ها در الانتفاس (۱۹۷۳) درباره طریق قصر مباحث مفصلی طرح شده است. این موضوع همراه با مباحث دیگر علم معاونی در کتاب‌های
بلاگی فارسی، جون درزارادب حسام العلما آق اولی (1315) هنگامگفتگو نصرالله تقوی (1317) و معالم/بلاغه محمد خلیل رجبی (1340) جای می‌گیرد. شیوه تقلیدی و ترجمه و پیروی از آثاری چون مطول تنفیزاتی بر ساختار آثار فارسی حاکم است و در موضوع مورد بررسی نقل می‌نماید که اشعار فارسی نوایی قابل ذکر این کتاب به حساب می‌آید. در بعضی از شروح فارسی مختصر/معنایی چون کرانه‌ها (عفران، 1372/197 - 1359) نکاتی بر اصل متن افزوده شده است.

علاوه بر این، در کتاب هایی چون از زبانشناسی به ادبیات کورشر صفوی (1373) تاریخ و تطور علم بلاغت (1383) و مقالاتی مثل "چگونگی روانیت مقالاتی حال و م atrav در نظریه‌های ادبی سنتی و نوین" (1385)، نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنتی (1386) برسی نظریه ارتباط کلامی یا کوپسن در علم معنایی (1378) و بیانگری علم معنایی و نقد برداشت‌های رابی آن (1388) در کتاب دیگری مباحث علم معنایی موضوع قصر ترجمه شده است.

در میان این تحقیقات آثاری چون جمله و تحول آن در زبان فارسی (1382)، درباره ادبیات و نقدهای ادبی (1373) مسئله دست و مظلف، نگارش و زیر هش در زبان فارسی (1377) با نگاهی جدیدتر این موضوع را بررسی می‌کند.

2. تعریف قصر

و این به دلیل معنی و در اصطلاح تخصصی شبیه به طریق مخصصی (تنفیزاتی) لقب گرفته و به دست داده می‌شود. صاحبان جواهر/بلاغه (1370: 171) و معالم/بلاغه (1379: 111) همان تعریف را آورده‌اند. اما در متنی متأخر دیگر مثل هنجرگفتار (1373: 130) معنی‌بندی یا آناتومی (1370: 136) و طرح‌سخن در معنایی و ابن (1382: 92) به چگاه‌ای شبیه، از کلمات
بازنگری مبحث قصر در منابع فارسی علم معانی، صفحه 189

موصوف و صفت استفاده می‌شود. تنها صاحب در مورد برای تعیین بالینی مشابه می‌توان

اعتقاد دارد: اثبات حکم است برای آن‌چه در کلام ذکر شده و نمی‌حکم است از

ماسوره‌ای او (۱۳۷۳: ۱۷۷). تجربه (۱۳۲۷: ۱۹) و شیخ‌السادات (۱۳۸۶: ۱۲۵) هم تعیین

تزدیک به حساب تعلیم طرح می‌کند.

از تعاریف مذکور برمی‌آید که قصر بر اثبات و نمی‌تواند دارد. اثبات آن با

اختصاص دادن امری به امر دیگر است و نمی‌حکم به وسیله خارج کردن امری از

محدوده امر مخصوص شکل می‌گیرد. کسانی این تعیین در فراغت بودن آن است که

تمام حوزه زبان را در امری گیرد؛ به عبارت دیگر، ارتباط جملات مخصوص با علم معانی

پرداختن نشانده و برگردن بر جسته علم معانی، یعنی اقتضای حال در تعیین قصر،

لحاچ نگرده است. یکی جهت لازم است که علاوه بر مفهوم عمومی قصر، که

اختصاص امری به امر دیگر است، به چند دلایل به وسیله تعیین شده در حوزه علم معانی

توجه شود و به ارتباط کرده خاصیت جملات مخصوص در تأثیر گذاری بر مخاطب و

ارتباط سریع تر با اهمیت قصر در علم معانی تغییر گذارد.

یکی از اهداف اصلی قصر م века کردن کلام است و با بهره‌گیری از آن می‌توان

کلام را بر جسته کرد. فرشیدر به این موضوع با شکلی نتایج می‌گیرد و در تعیین

تغییردیده می‌گوید: آن است که سختی را از اسئله که یا جمله یا گزیده یا واسط

دستوری یا معناپذیره پر مهندی اصلی را توجه قرار دهیم و به آن شدت با کمال یا

روشی بخشیده (لراتشد، ۱۳۸۳: ۱۸). با توجه به تعیین می‌توان گفت:

قصر آن است که بر علاوه به وسیله بی‌هوای قصر، جزئی ای حکمی، به امری تخصصی یا

انحصار نیدا گرد و کلام مخصوص در راستای هدف اصلی علم معانی به مشخصی حالت

مخاطب و مناسب با اوضاع و احوال موضوع نقل شود و به کار رود.
با این تعریف، دایره جملات مقوله در علم معنایی کوچکتر می‌شود و بررسی جمله‌های عادی مقوله به حوزه نحو و دستور زبان محدود می‌گردد.

۳. تقسیم‌بندی قصر

خطب قزوینی در ایران، تقسیم‌بندی مستقل قصر را منظم‌تر از سکاکی با تقسیم به حقیقی و غیرحقیقی آغاز می‌کند (قزوینی، ۱۴۱۱: ۱۴۱۲) و از آن طریق وارد مطلب تلفناتی می‌شود. کتاب‌های بلاغی عربی و فارسی بعد از آن مطالعه تلفناتی را نقل کرده و سه نوع تقسیم‌بندی غنی بر حقیقی و غیرحقیقی، موصوف و صفت و موصوف و افراد، قلب، تعین و تشیع کرده‌اند.

۳.۱ حقیقی و غیرحقیقی

حقیقی و غیرحقیقی اصطلاحی است که از طریق تلمیش‌مرفت مطرح می‌شود و از آن پس، در دیگر آثار بلاغی به کار گرفته شده است. صحاب مطلو علاوی به طرح و شرح این موضوع، عدم تصريح سکاکی به این نوع تقسیم‌بندی را تغییر می‌کند (تلفناتی، ۱۳۷۴: ۱۷۱). اهمیت نقد و بررسی این تقسیم‌بندی در تبیین ارزش و جایگاه آن در علم معنایی است. در این تقسیم‌بندی، دیدگاه گوینده نسبت به اسر مقوله مطرح می‌گردد. وقتی که گوینده موضوع خود را به شیوه مطلق قصر کند و کسی با چنین ای در ویژگی مقوله شرک بگردد، قصر حقیقی شکل می‌گیرد و عکس آن قصر غیرحقیقی با اضافه است که به طور نسبی ویژگی مقوله در نظر گرفته‌اند. مشکل اساسی دستبنی مربوط به قصد گوینده از جهت حقیقی و غیرحقیقی بودن این است که بسیاری از مؤلفان کتاب‌های بلاغی با تکیه بر موضوع سخن، سخن گوینده را تبیین می‌کنند و به استناد شاهد، که غالباً درباره صفات خداوند است و موحیدان نمونه کامل هر صفتی را خداوند می‌دانند، حقیقی با غیرحقیقی بودن
قصر را معین می‌سازند. مثال‌های عباراتی چون «الا معبود بحق الا لله» (حسام‌العلماء، 1373: 109)، و «الامور فی الوجود الا لله» (رجایی، 1379: 122) در به‌حث قصر حقیقی قرار دارد; بعضی از اهل بلاغت به نوعی دیگر از قصر حقیقی به نام ادعا قرار می‌دهند که اضافه‌کردن واژه ادعا به قصر حقیقی کار را ساده‌تر می‌کند و می‌توان گفت گوینده ادعا حقیقت و واقعیت می‌کند و بعد از آن موضوع خود را مقصور می‌سازد.

با دقت در نوع اخیر و شواهد آن استناد می‌شود که شاعر یا نویسنده به هرچه عشق بورزد یا آن نفت داشته باشد با چشمی مطلق نگر نظر می‌کند و برحس ادعا، تصور و برداشت خود را درماب موضوع حقیقت و واقع می‌داند و همین اغرای و ادعا موجب می‌شود که متن صحیح ادبی بی‌کامن.

نیست عاشق گشتن الا بودند پروانه‌وار اولش قرب و میانه سوختن، آخر فنا(خوافی، ۱۳۸۱: ۱) آهنین این بیت و بیت بعدی را از نمونه‌های فسر حقیقی ادعا حسینی مفرغی کنند (سرکوه، ۱۳۸۰: ۸۳).

چند پرسته به بندگی چه بوده بنگذگ جنی فکرندگی چه بوده(سابی، ۱۳۸۱: ۲۶) نکته اساسی این بحث گوینده مدار بودن آن است. امداد از حقیقت آن است که در آن حقیقت و نفس الامر ملاحظه شود بدون توجه به اعتقاد مخاطب (رضا‌زاده، ۱۳۷۲: ۲۷۸). همین امر تعیین نوع قصر را دیجارد اشکال می‌کند.

چندر ساده نیست که با دقت در یک مصرف یا یک بیت نوع قصر را تعیین کرد؛ با به‌صدا و نبود منظم از طریق بافت و موضوع کلام آگاهیز یافته، یا از طریق آشنا یکی با سنت های ادبی و منوی های آن وجود دارد، مطالب برداشت خود حقیقی و غیرحقیقی بودن آن را مشخص کرد.
تعین حقیقی و غیرحقیقی بودن قصیر در منظور تفسیری قرآن بسیار مهم است؛ بنابراین هدف آن کتاب‌ها تعبین دقیق‌ترین معنی از کلام وحی است و به اکناف آیات و روایات، تعیین قصیر از نظر حقیقی و غیرحقیقی ضروری می‌نماید؛ اما قصیر حقیقی در ادبیات با قصیر حقیقی دیگر تفاوت دارد. می‌تواند در ادبیات غیرحقیقی با اعراف استوار درست و هرچه از واقعیت دوست باشد، هرچه می‌شود، در ادبیات حقیقی استوار است، که قصیر حقیقی خوانده می‌شود، در واقع، بر ادعای استوار است که حقیقی می‌نماید و قصیر حقیقی در منظور دینی بر حقیقت استوار است و عاری از ادعاس. تأمل در این بحث بیدین جهت اهمیت بسیار دارد که با تین قصیرهای حقیقی ادعایی می‌توان معلوم کرد که شاعر با نویسندگان دیگر بر جه مطالبی متمرکز داشته است. بررسی آماری موضوعات مقصور در حوزه ادعای حقیقت، شخصی برای تحلیل تفکر پدیدآورنده آثار ادبی است.

۲. قصیر موصوف و صفت با صفت و موصوف

اساس دومن دستبنی قصیر در کتاب‌های بلاغی بر ساختار جمله مقصور استوار است، یعنی با یکی جایی موصوف و صفت نوع آن تغییر می‌کند. مازیکی‌ها نیز، مثلاً کتاب‌های بلاغی درباره قصیر موصوف و صفت و صفت و موصوف است.

این نوع جملات بر ساختار ظاهری استوار است، یعنی با یکی جایی کلمات نوع آن تغییر می‌کند؛ فیقاهی که به آن کمتر توجه شده است و غالباً به جای پرداختن به آن، مبحث صفت و موصوف را با مباحث حقیقی و غیرحقیقی یا افراد و قبلاً و تعین در آمیخته‌اند. در این مبحث تقدیم و تأخیر از مقاله جمله در تنظیم نوع قصیر خیلی است. پس، لازم است ابتدا ترتیب استفاده از عناوان ترتیب معیار برای کلام تعیین شود و بر
بازنگری مبحث قصر در منابع فارسی علم معانی، صفحه ۱۸۵-۲۰۹

اساس آن، نوع قصر تعیین شود. در جملات عادی جوان ما زید اکنون یکی از کتب انگلیسی زبان از این قصر مشخص است و در جمله‌های ساخته‌شده مشخص گردیده که در شعر ساخته می‌گردد، که به همین ترتیب کلام به هم می‌خورد و هم امروز مقصور حذف می‌شود.

مثال:

نیست بر فوخر دلم جز الف قامت پاز
چه کم حرف دگر پاد نداد استادم

(حافظ، دیوان: ۲۳۳)

در این مثال مقصور علیه «الف قامت پاز» و مقصور کلمه‌ای محذوف است، به

الف قامت پاز بر لوح دلم
نیست

طب و نوشته‌ای

جز

مقصور علیه

در مرحله بعد، تعیین صفت یا موصوف بودن طرفین اهمیت دارد؛ چیزی که کمتر به
آن توجه شده است. با دو مثال معروف، یعنی ما زید ان یک یا کتاب ان یک
به‌رحیل معلوم می‌شود که جمله اول موصوف و صفت و جمله دوم صفت و موصوف
است. جزوه مفهوم اسی در کلمه از، و مفهوم صفتی در کتاب به‌ساده‌گی درک
می‌شود؛ اما ممکن است در جایی مقصور و مقصور علیه هر دو مفهوم اسی داشته
باشد و تعین موصوف و صفت دشوار باشد، مثالاً طریقت و خدمت خلق، کدام‌پاک
موصوف و کدام صفت است؟

طریقت به خور خدمت خلق نیست به نسب و مجاده و دلی نیست

(سعدی، ۱۳۲، ۵۲)
در این مثال، اطّریقت و «خدمته به خلق» طرفین قصر است که هر دو مفهوم اسیمی دارند و صفت بودن را از آنها نمی‌توان استنباط کرد؛ یا در بیت دیگر، همین موضوع درباره نظم محقق و «نظم من» بهعنوان طرفین قصر صادق است و مشخص نیست.

کدام یک در جایگاه صفت قرار می‌گیرند؟

نیایی جز مرا نظمی محقق
نیایی جز مرا تشریب‌مرون

(خاطرات، ۱۳۸۰: ۳۱۸)

نهایناً، غیر از هنگام و تکیه کلام نوع قصر را نیگیر می‌دهد. در جملات مقصوری که با ادات «فقط و تنها» ساخته شده باشد و مقصور علیه صفت دستوری باشد، یعنی یکی از وزیگی‌های موصوف را بیان کند، با تکیه‌دار کردن موصوف با ادات قصر، مفهوم جمله نیگیر می‌کند. در شاهد زیر: شاعر فقط صفت دستوری است.

حافظ فقط صفت دستوری است.

مقصور

شاعر

اگر تکیه بر روی هجای دوم کلمه حافظ قصر گیرد، قصر موصوف در صفت است، یعنی هجای دوم (فقط) یا یا باید با شدت و تکیه نتفظ شود.

حافظ فقط شاعر است (نه دیگران)

و اگر تکیه بر روی هجای دوم کلمه فقط باشد قصر صفت در موصوف است، هجا ی دوم کلمه فقط (فقط) است که با تکیه‌دار کردن آن مفهوم جمله با جمله قابل فرق می‌کند.
بازبینی بررسی قدرت در منابع فارسی علم معاصر، صفحه 185-186

شاعر است (ن. کاتب)

فقط حافظنکه

این قاعده در جایی که مفهوم‌العمل صفت دستوری، به‌عنی کلماتی مثل شاعر، کاتب
و نویسنده باشد، ملموس تر است؛ چون وجه توصیفی آن خصوصیت نمایش نوع قصر را
پیدا می‌آورد؛ اما در جملاتی که دو طرف مفهوم اسپتی دارند باید بر دقت بیشتری این
شبه به کار بسته شود. برای مثال در جمله اینکه فقط اینکه فقط مفهوم مصرفی دارند. با تکیه دارد هنگی پایانی کلمه (بنگذگی) این مفهوم انتقال
می‌یابد که بنگذگی و اطاعت موجب اینکه اینکه است؛ اما اگر نکه بر روی هر هنجار
افقت، باشد این مفهوم به نظر می‌رسد: انتها چیزی که انسان را به مرحله بنگذگی
می‌رساند اینکه فقط، به هر صورت، اهمیت بیشتر آنگاه و تکه کل، این است
که معنا و مفهوم کل در دفترگونی که کد و جایگاه صفت و موضع نیز اینکه فقط باید و
نهاً محقق ادیب‌ها هر کار را خوانش جملات مفصول را کشف کند و بر اساس آن به تجزیه و تحلیل پردازد.

در نتیجه برای آموزش این مبحث سه کار باید انجام داد: اولاً بر اساس زیان رایح و
عادی، یا به تعبیر دیگر، زبان معمول کلام را مرتب کرد و مطالب آن ترتیب مفصول و
مفصول‌پذیره را معلوم ساخت، ثانیاً در نام‌گذاری طرفین قصر، علی‌الحوزه صفت و صفت
ملاک‌های در نظر گرفته و حرفه دقيق مفصول‌های صفت و صفت‌ها را تنیم کرد؛ ثالثاً نوع
خوانش را در تعیین مفصول‌ها صفت بودن بعضی از نمونه‌ها مؤثر دانست.

نام مطالب مطرح شده مربوط به نام‌گذاری‌های مباحث قدرت است، اما آن چیزی که
در حیطه علم معاصر ارزشمند به حساب می‌آید کشف مفصول و منظور متکلم از بیان

195
جمله مقصور است. گوینده به شکل ادعایی و اغراق آمیز مفهومی را مقصور می کند و از طریق آن بر تأثیر کلام خود می افزاید. این نکته بکی از اهداف اصلی علم معناي است.

3.3 قصر افراد، قلب، تعیین

سومین دسته بندی قصر افراد قلب، قلب، تعیین است که برای توجه متقسم به مخاطب تدوین می شود. وقی که متقسم جمله ای مقصور را به کار می برده، می توان آن را به دو حالت تقسیم و تبين کرد: اول اینکه گوینده خود را مخاطب قرار می دهد و بدون توجه به مخاطب فرضی یا واقعی بیرون آورد و جمله ای مقصور بیان می کند. که در رديف جملات مقصور حقیقی و غیرحقیقی یا موضوع و سفوت بررسی می شود. در حالت دوم، متقسم مخاطبی را در نظر دارد که بر اساس دیدگاه او نسبت به موضوع جمله مقصور خود را بیان می کند. این امر موجب شکل گیری قصیرهای افراد، قلب و تعیین می شود.

در این دسته بندی، مخاطبان شاعر یا تویسند تقصی مشتاق و مکمل بر عهده دارند. تشخیص نوع مخاطب در متن کار دشواری است و تجزیه و تحلیل کلام را می طلبد. اگر بتوان از طریق بافت کلام مخاطبان جملات مقصور گوینده را مشخص، در تجزیه و تحلیل نگرش متقسم بسیار مؤثر است. قصر تعیین نماینده از دیگر قصیرهای است. به تعبیر دیگر تام جمله ای مقصور در رديف قصر تعیین قرار می گیرد، چون در حالت های عادی و طبیعی زبان، متقسم برای اطلاع نسبت به مخاطب جمله ای خود را مقصور می کند؛ اما در قصیرهای افراد و قلب حالت تردید و انگار وجود دارد. یعنی پی مخاطب نسبت به نظر گوینده مرد است که با قصر افراد، تردید متقسم از بین می رود، یا متقسم هست که با قصر قلب، نظر انکاری متقسم تادیه انگاشته می شود.
به هر صورت، این دستهبندی از طریق اوضاع و احوال کلام معنوی است و در حالی که برای یک چند قصه مقصور محتوا را می‌توان در نظر گرفت، مگر اینکه قوانین بجا می‌آدم، یکی از قصه‌های مذکور تأکیدی داشته باشد. پایه و اساس این دستهبندی بر نمایش مخلوط کلام استواره، موضوعی که بی‌شمار از طریق سخنان شخصیت‌ها و عناصر درون متن امکان‌پذیر می‌شود و در بسیاری از متن‌های ادبی، به حدیث نفس شاعر است و مخاطب می‌تواند وجود ندارد، دست‌یابی به مقصد و منظور متقاعد شکست انست. برای مثال، بیت زایر را تقوی (۱۳۷۳: ۹۴) قصه قلب به
حساب آورده است و علی‌مقدم (۱۳۸۱: ۷۴) قصه تعیین.

من نکردم خلق تا سوخت کنم بلکه تا بر بندگان جوید کنم
این مطلب خود نشانه‌ای بر دریافت متافیت خوانندگان از مخاطبان فرضی شاعران است. در بعضی از نمونه‌ها در نوع قصه انفکت نظر وجود دارد، به طوری که بیت زایر را علی‌مقدم (۱۳۸۱: ۷۴)، صادقیان (۱۳۸۲: ۹۴) و کرزایی (۱۳۸۵: ۱۸۹) قصه قلب به
حساب آورده‌اند:

به جز آن ترونگ مسیح که به همراه مرساد
زایر این طارم فیروزه کمی خوش نشست

۴. ارتباط قصر با انواع جمله خبری و انشایی
قصه از مباحث است که در کتاب‌های بلاغی به عنوان یک فصل از باب در پایان مباحث، خبر، آورده می‌شود. نکته مهم در این است که با قرار گرفتن اجزای در این جایگاه، جنب تصور می‌شود که قصر مختص جمله‌های خبری است، زیرا در فصل انشای موضوعی به نام قصر وجود ندارد. نفتازی در پایان می‌بیند انشا می‌گوید: «الانشاء، کالخیب در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در که در تیه و علی‌مقدم (۱۳۸۵: ۱۹) در ادامه توضیح می‌دهد تمام...
احتمال خبر جوی تعريف، تنکر، حذف، ذکر، تقدیم و تأخیر و قدر درباره جمله‌های انشایی صداق می‌کند و به نظر اوا برای که احوال مشترک بین خبر و انشاء با یک روز بی‌صبرت در رایه کاری‌ها یا جست و جو شود.

سخن تفکری اثبات می‌کند که قصیر خصیصه‌ای است که می‌توان آن را در انواع جمله به کار بست؛ اما بدان جهت که رایج ترین نوع جمله خبری است، این موضوع در ضمن مبحث خبر پرستی می‌شود.

اگر مبحث خبر و انشاء به چهار مقوله خبری، پرسشی، امری (مثبت و منفی) و عاطفی (نداوی، تعجب، تمنایی) تقسیم شود، به غیر از جملات خبری، که اساس مبحث قصر است، شواهد بسیاری از جملات پرسشی و امری و نهایا وجود دارد که به کمک ادات قصر «مقصور شده» است. طرح این بحث از آن جهت اهمیت دارد که می‌توان با اضافه کردن جمله‌های خبری و انشایی مقصور به انواع جمله در کشف مقاصد نامنی جملات گونه مقصور جمله را در نظر گرفت و با شیوه منظم تر جملات مقصور را در آثار ادبی پرستی کرد.

۴. خبری مقصور

راهنمای نوع قصر شده در زبان جمله خبری است که یکی از عوامل تأکید جمله، یعنی قصر، آن را مؤکت می‌کند.

چون نشش یک سرند و چو در جناب آمده‌ند آلا شناخت و دریده دهن دید.

(خاقانی، ۱۳۶۸: ۱۷۴)

۴. پرسشی مقصور

در این نوع که غالباً همراه استفهام انکاری است، در جمله ادات قصر به کار می‌روند. در این جملات دو عنصر موجب تأکید سخن می‌شود: یکی همان استفهام کلام است و
پژوهشی بیشتری در منابع فارسی علم معنی، صص ۱۸۵-۱۸۶
۲۰۰۹

دیگر ادات قصر. به کمک این دو عنصر شاعر بلاغ تر و مؤثر تر پیام خود را به خواننده انتقال می‌دهد.

چون قدامت بانگ بر ابلق زند.

زند تو که یاد که اناافق زند.

(نظامی، ۱۳۸۰: ۷)

۴. امری (مثبت و منفی) مقصور

در جمله‌های امر و نهی حالات استعفایی وجود دارد که با اضافه کرد و یا گفته‌ی قصر بر تأکید کلام افزوده می‌شود.

دلم اندر جهان آفرین بند و بس.

(سعدی، ۱۳۸۱: ۱۲)

فذج مگیر چو حافظ مگر به ناگ چنگ

که بسته‌ای بر ابریشم طبر دل شاد.

(حافظ، ۱۳۸۸: ۱۴۷)

۵. ساختن جمله مقصور

غالباً آغاز آموزش قصر در متن بلاغی آموزشی، یک جمله به سبک خبره است ما عالم الامام (صادریان، ۱۳۸۲: ۹۲) و بهرام جز پهلوان نیست (کورشی، ۱۳۸۵: ۱۸۴). اما در توضیح و تشریح انواع قصر به جمله‌های جندفعی یا مرکب (فرشیدورود، ۱۳۸۲: ۲۶۹) هم استفاده می‌شود: زندگی شاعر لا منجم (سکاکی، ۱۳۸۳: ۱۳۹).

ندام جز آن کس نکوگویی من که در روزی مگ فت آموزه سن

(تقیی، ۱۳۸۳: ۹۲)

اهمیت این موضوع در تعیین محدوده قصر کلام است. یعنی ایکه شاعر یا نویسنده چه اندازه از قصر استفاده می کند. گاهی با یک جمله ساده کوتاه و بی‌گرگی قصر در کلام بارز می‌شود و زمانی با یک جمله مرکب بلند. قصر در جملات بسیار کوتاه به‌سادگی
می تواند بررسی و نقد گردد، اما این کار در جمله‌های مربوط به پیچیده‌ترین بخش‌هایی که در مثال‌های زیر می‌توان جمله‌های مربوط مقصر را مشاهده کرد.

زبان جهانی پایه و گسترش رسنای

پایه

بی‌رو (خاطرات، ۱۳۸۸: ۱۷۰)

مشنو خلافشان که جز ابلس فن نند

بی‌رو

بی‌رو (خاطرات، ۱۳۸۸: ۱۷۰)

وفتی که در جمله مربوط، پایه‌ی بی‌رو بودن جمله مقصور تعین شده، اظهارنظر درباره جمله مقصور ساده‌تر شکل می‌گیرد؛ علاوه بر آن در جمله‌های کوتاه فقط عامل قصر موجب تأکید کلام می‌شود، اما در جمله‌های مربوط به جز جمله‌های مقصور جمله‌وای دیگر بی‌رو تأکید کلام می‌افزاید. این مطلب اثبات می‌کند که در جمله مربوط فقط قصر موجب تأکید کلام نمی‌شود، بلکه باید عامل دیگر را در نظر گرفت.

نتیجه بحث این است که قصر بی‌کی از ساختارهای زبان به حساب می‌آید و لازمه ارتباط با این مبحث در علم معانی آشنا با ساختاران انواع جمله مقصور در زبان‌است؛ همان گونه که در کشف مقاصد ناگوی کلام باید انواع جمله‌ای یا انشایی را شناخت.

۱. مقاصد کاربرد قصر

همچنین این بحث در علم معانی ناظر به انتقال معانی ناگوی از طریق جملات مقصور است. در زبان تفسیر نبندی، کلام یا شبه‌کلام، عناصر حکایت و غیرحاکیت، صفت و موصوف و موصوف و صفت، افراد قلب و تعیین اغراض ناگوی را می‌توان استنباط کرد. اما بخش مستقیم به نام اغراض ناگوی جمله‌های مقصور در کتاب‌های معانی تدوین نشده است.
پاسخگویی بحث قصر در مبانی علم معاونی، صص 185-189

(شمسی، 1387: 130) را برای قصر بر می‌شمارد.

بیمار ضروری است که اهمیت بحث قصر در انتقال مبانی نتانوی نسبی شود. حال اگر پدیده‌شود که قصر یکی از ویژگی‌های کلام است، پس علاوه بر جملات خبری، جمله‌های انشایی هم از این ویژگی برخوردارند. بررسی اغراض نتانوی کلام مقصور ذیل هریک از انتخاب جمله شکل می‌گیرد. به تعبیر دیگر، در تفسیرهای انواع جمله، «گونه مقصور» به هریک از آن‌ها اضافه می‌شود و به هنروی ندارد بحث قصر در فضای مستقل قرار گیرد. بلکه در بررسی جمله‌های خبری، پرسی، امری «گونه مقصور» آن‌ها تجزیه و تحلیل می‌شود. بدن ترتیب، هم جای خالی جملات مقصور در انواع جمله بر می‌شود و هم بررسی مقصود نتانوی کلام منظور شکل می‌گیرد.

برای مثال در بیت زیر تمام محابه طرح شده درباره قصر در پنجره برسی می‌شود:

تقدیم چه حافظ مگر به نانه‌ی چنگ
که به‌نهاد بر ایرانی طرح دل شاد

(حاضر: 1387: 147)

1. شاعر این ناله چنگ را مهم و موجب شادمانی می‌داند؛ عنای دغدغه‌شاعر در این جمله مقصور، بر جستن شرایط خواری همراه با موسيقی است و هرچه بسیم جمله‌های مقصور در این موضوع بیشتر باشد، اهمیت آن در نظر حافظ بیشتر بوده است.
2. حافظ با قصر حیضی ادعایی معتقد است که فقط با نالله چنگ شراب بنشو و با این ادعای جمله خود را از حالات عادی به ادبی تبدیل کرده است؛ به عبارت دیگر، ادعایی دور از حیضیت حافظ جناب باقی‌مانده و اغراقی کلام را زیادتر می‌کند.

3. سه گروه مخاطب برای این شعر می‌توان در نظر گرفت: کسانی که از تأثیر نالله چنگ آگاه نیستند (قصر تعین)، گرویی که در تأثیر نالله چنگ مردد هستند (قصر افراد) و دسته سوم کسانی که تأثیر نالله چنگ در شاهدی را قبل ندارند (قصر قلب). در صورتی که بتوانی به استناد مدارک تاریخی مداخلات این یست و امثال آن را تبعیض کرد، میزان ارتادات با اعتراض نسبت به حافظ مشخص می‌شود.

4. جمله امروز منفی (نه) مقصور به وسیله یک جمله‌های استندالی تکمیل شده است. اهمیت این جمله از نظر مربوط به ساده و بودن در این است که حافظ به وسیله یک جمله مربوط به یک جمله اول در مصراخ اول با جمله‌های عامل استندال در مصراخ دوم یک جمله‌های وب اتسفاده کرده است و این بهره گیری از استندال تأثیر قصر کلام را زیادتر کرده است.

5. ترغیب و تشویق مباحث غرض ثانوی آن است، یعنی حافظ از قصر بهره‌گرفته و خواسته مخاطب را مشتاق و علاقه‌مند به پیروی از نظر خود کند.

7. پیشنهادها

یک گروه به زیر مجموعه انواع جمله قرار گرفت، چه در فصل مستندی بررسی شد، بهتر است مراحل زیر درباره یک جمله تک فعال با چند فعال در نظر گرفته شود:

1. با دقت در جزء مقصور کلام، نگرش منتقلی به موضوع «مقصور» نیازی گردیده؟ یعنی در این مرحله آن موضوعی مهم است که به وسیله شیوه‌های قصر کلام مورد نظر
منکمل قرار گرفته است. بخش مقصور یک جمله به‌خودی نگرش منکلم را به آن موضوع نشان می‌دهد. با بررسی های بسامدی و آماری موضوعات مقصوره در آثار ادبی، جنبه‌های گوناگون فکری و سبکی شاعران و نویسنده‌گان بینی می‌شود.

در این حالت، منکلم احساسات و عواطف خود، بینی مدح و تعظیم یا ذم و تحفظ را به کمک «قصره» به مخاطب انتقال می‌دهد. اینجا، فارغ از نوع جمله با مقصود نانوی کل جمله، فقط بخش مقصور کلام با موضوع مورد توجه گوینده بررسی و نهایتاً منجر به تحلیل فکری منکلم می‌گردد. از این تحلیل می‌توان جنبه‌های مختلف روحی، روایی، اجتماعی و... شاعر با نویسنده را دریافت. مثلاً با بررسی محتوای «موضوعات مقصوره» در دو رمان حافظی می‌توان حساسیت او را با موضوعات مختلف طبقه‌بندی کرد. با این شیوه، از طریق «قصر در علم معانی» سبک صاحب اثر تجزیه و تحلیل می‌شود. تقسیم‌بندی «موضوع و صفت» و «اصط و موضوع» در کتاب‌های معانی به صورت کلی و مبهم به همین موضوع اشاره دارد.

روشن شود که کسی بر مدار واقعیت شکل گرفته است با بر محور اغراق و اعدا اگر مبتنی بر واقعیت باشد، بیانگر یکی از ویژگی‌های طبیعی زبان است که در زبان روزمره مردم جمله‌های مقصور واقعی به کار می‌رود و بررسی آن مربوط به دستور زبان است. اما اگر متقن بر اعدا و اغراق باشد در حوزه علم معانی قرار می‌گیرد و منجر به شکل گیری قصر حقیقی و غیرحقیقی می‌شود. بدون توجه به نام‌گذاری های منابع علم معانی، قصری ادبی به حساب می‌آید که بر محور اعدا و اغراق باشد، بیانی غیرواقعی جلوه کند. در این مرحله، اولاً از طریق غیرواقعی و اعدا بودن قصر؛ ادیب جمله‌های مقصور تعیین می‌شود و نهایتاً از طریق بررسی بسامدی اقصرهای ادعا، یک اثر ویژگی‌های سبکی آن نمایان می‌گردد.
3. اگر بتوان از طریق بافت و موقعيت کلام، نوع نگرش مخاطب را به کلام مقصود تعیین کرد، بسیار موافقت، معترضان و مخالفان سخن متمکن به دست می‌آید که نهایتاً از نظر تحلیل شخصیت شاعر و محیط زندگی او ارزش‌شناسی است. غیر از این، وظيفة اصلی علم معنایی، یا انتقال مفاهیم و معناي به مخاطب، سریع تر شکل می‌گیرد. این بخش در کتاب‌های علم معنایی با عنوان قصرهای افراد، قلب، تعیین، مطرح می‌شود.

4. در این مرحله، تعیین نوع جمله اهمیت دارد؛ یعنی اینکه جزء مقصود در چه نوع جمله‌ای قرار گرفته است. بدين ترتیب، با اتکای به انواع جمله (خربری، پرسشی، امری به صورت مثبت و منفی) ویژگی قصر بررسی می‌شود.

در این مرحله اگر جمله مقصود با یک مفعول به‌این سبب دهه سبیط به حساب می‌آید. در غیر این صورت، جمله یا جمله‌های دیگر مکمل انتقال یکمی شوند و...
جملات مربک مقصور را می‌سازند که تعیین جمله مقصور باید بررسی مراحل دیگر است.

5. مرحله پنجم، تعیین اغراض ثانوی جمله مقصور است. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های علم معنی است. تعیین اغراض ثانوی جملات است. در آخرین مرحله بررسی جمله مقصور، باید «غرض‌یا معنی ثانوی» کلام مشخص شود. در این مرحله اساس بررسی اغراض همان تفسیرنیت جمله‌ها به خبری و انشایی است. با این تفاوت که ویژگی «قصر» به آن‌ها اضافه می‌شود.

پس جمله مقصور در پنجم جهت ارزش و اهمیت پیدا می‌کند: تعیین و تبیین موضوعات مورد توجه متکلم، تبیین ادبیات کلام، شناسایی مخاطبان متکلم، جایگاه قصر در انواع جمله، کسب و درک اغراض ثانوی.

8. نتیجه‌گیری

بحث قصر در کتاب‌های بلاغی طرحي روش‌شناسی و منظم ندارد. به علت آمیختگی بخش‌های مختلف و تبیین نشدن اهمیت قصر، توجه به تفسیرنیت منظم در این
کتاب‌ها نشانده و بیشتر قصد و نیت متمکم در شکل گیری آن مؤثر بوده است. در این مقاله به این ترتیب رسیده که یکی از مناظر مختلف به جملات مستند توجه شود تا زمینه تجزیه و تحلیل ویژگی‌های فکری، زبانی و ادبی اثر صاحب اثر نویسنده را کشف کرده و به دنبال آن نگرش فکری اثر و حتی هم عصران وی را از طریق قصیر در علم معاون به دست آورد. در نگاهی دیگر، با دقت در موقعیت تاریخی و بررسی زندگی اجتماعی شاعر یا نویسنده، می‌توان نوع مخاطب‌اندی یا شناسایی کرد که نهایتاً منجر به تحلیل تفکر اجتماعی صاحب اثر می‌شود؛ علاوه بر این‌ها، نگرش عاطفی مولف از طریق بررسی مقادیر نانوی جملات مستند کشف می‌شود که بیانگر ویژگی‌های شخصیتی صاحب اثر است و می‌تواند یکی از مерь‌های روح و روان او باشد. مبحث قصر راهی دیگر بیای سبک ادبی آثار ادبی است. قصرهای ادبی نشانه دیده و بلافاصله کلام‌اند؛ این تعداد مخالفان و موافقان صاحب اثر و تفکر اجتماعی یا رای می‌گیرد که به می‌شناخت قصر به جمله مربوط نمی‌شود. به این‌گونه بگردن یا نویسنده علاوه بر قصر به کمک عوام دیگر کلام بخود را در کانون توجه قرار می‌دهد. با دقت در نوع مقصد نانوی در جملات مستند نگرش عاطفی گوینده به ما آشکار می‌شود و در نهایت به شخصیت او به عنوان فردی خوش‌یاد، بپذیرد، موقت و مغری به ذکر کرده و از این قبل به می‌بیند. نهایتاً اینکه از طریق جمله مقصود می‌توان جبهه مخفی‌های فکری و ادبی صاحبان آثار را تحلیل کرده. در این مقاله طرحی ارائه شده که براساس آن می‌توان از طریق مبحث قصر اثر ادبی را تحلیل کرد.
بازنگری مبحث قصر در منابع فارسی علم معانی، صفحه 185-188

پی نوشت

۱. نختان‌ای در پایان فصل ششم کتاب مفهوم اشاره می‌کند که تمام واژگی‌های جمله خبری، که قصر هم آن دسته است، در جملات انشایی صدق می‌کند (۱۷۶۴ ق. ۱۹۰). این در مختصات معانی این مطلب را اضافه می‌کند که خواننده باید با نور پیشرفت لطافتی کلام را در جملات انشایی درک کند (پی نوشت ۱۰۰).

ظاهراً ساختار امری، پرسشی و عاطفی جملات انشایی موجب شده است که کلام مؤکد شود و عوامل تأکیدی دیگر سخن، به عنوان مباحثی که در احوال مسندالیه و مسند و قصر طرح می‌شود، در این جملات کم تأثیر شود.

منابع

آقا‌اویلی، عبدالحسین حسام‌العلما (۱۳۷۳) درزانادب درفن معانی و بیان و بدعی. جاپ سوم.قم: هجرت.

آهون، علامت‌الحسین (۱۳۹۰) معانی بیان. جاپ دوم. تهران: چاپ وانتشار، نمایند. بنیاد قرآن.

امینی، محمد‌پردا (۱۳۸۸) بازنگری معانی علم معانی و نقد برداشت‌های رایج آن. مجله پژوهش‌های بزرگ وادبیات فارسی. دانشگاه اصفهان. سال جهل و پنجم. دورة جدید. شماره سوم: ۵۹-۷۵.

تجلیل، جلیل (۱۳۷۶) معانی و بیان. جاپ هشت. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

تختانی، مسعود (۱۳۷۴ ق) کتاب المطروح ق درش تلفیخ المفتاح. تهران: مکتبه علمیه‌الاسلامی.

تختانی، مسعود (پی ۱۳۷۳ مفید/معنا/چاپ) مختصات/معنای در تلفیخ المفتاح. قم: مصطفوی.

توجه، نصرالله (۱۳۷۶) هنر تلفیخ مدن/میان و بیان و بدعی فارسی. جاپ دوم. اصفهان: فرهنگ‌سرا اصفهان.
جرجاني، عبدالقاهر (۱۴۲۴ هـ. ق.) دانشورش در علوم معاصر، پیمان یاسین الیدوی.
پیروت: صیدا، مکتبه نمونه‌ی مکتبه العصریه.
جهاد، لاهی (۱۳۸۷) اشاره‌ای نظریه ارتباط کلامی یا کوئین در علم معاصر، کتاب ماه‌ادبیات.
شماره ۱۵ پاییز ۵-۱۱.
حافظ، شمس الدین محمد (۱۳۸۸) دیوان حافظ. به تصحیح قروینی و غنی، به اهتمام عبدالکریم جاهدزارد: چاب دوم. تهران: اساطیر.
خاقانی شروانی افضل الدین (۱۳۸۹) دیوان شروانی. به کوشش پیام الدین سجادی، چاب سوم.
شریف: زوار.
خطب قروینی، جلال الدین (۱۳۸۹) ق. (کتاب تدریس در علوم البلاغه معاصر) و الیا و الباب.
فم: دارالکتاب الاسلامی.
رجبی، محمدعلی (۱۳۸۹) مطالعات بین‌المللی. چاب نجم شیراز: دانشگاه شیراز.
رضازاده (نوشید)، عبدالحسین (۱۳۸۹) اصول علم بلاغت در زبان فارسی. قم: نیرو.
سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۹) بحث و توضیح غلامحسین یوسفی. چاب دوم. تهران: خوارزمی.
سعدی، مصلح الدین (۱۳۸۹) گلستان. تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی. چاب دوم. تهران: خوارزمی.
سکافی، ایبی بیکوپ یوسف (۱۳۸۹) ساخت/ Email: مصیر، مطلع مصطفی الیا الحلبی و 
اولاده.
بنیان گزینی، ابوالاصل مجدی (۱۳۸۹) جدایت/ Email: تصحیح و تفسیره مدرس
رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
سیاوش شیخی، جلال الدین عبدالرحمن (۱۳۸۸) اثباتیه فلسفه و عبایش عبیدالله الفاضل
ابی‌بکر الباقلاشی، الجزء دوم. پیروت: مکتبه الثقافیه.
شمس، سیروس (۱۳۸۹) معاصر. تهران: میرا.
دانشجویان، محمدعلی (۱۳۸۳) طراز سخن در معانی و بیان. ریحانه: ریحانه انتشارات، تهران.
صفوی، کوروش (۱۳۸۳) از زبانشناسی به ادبیات. ج. اول. تهران: سپیده.
صدیک، اکبر (۱۳۸۵) ثبت و ثبت مقدماتی حال و محاسب در نظریه‌های ادبی سنن و نوین. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دویست و پنجم. شماره سوم. پاییز ۱۳۸۵.
ضیف، شوقی (۱۳۸۳) تاریخ و تطور علم بلاغت. ترجمه محمدبی‌ترکی. تهران: سمت.
عزالدینی، حسنعلی (۱۳۸۲) گفتارهای (شرح فارسی مختصرالمعنای تفتازانی). ج دوم. تهران: هجیره.
فتوحی، محمدرضا (۱۳۸۶) نگاهی انتقادی به مبانی نظری و روش‌های بلاغت سنن. ادبیات. دانشگاه گیلان. شماره سوم: ۹–۳۷.
فرشیدورود، خسرو (۱۳۸۲) جمله و تجویز آن در زبان فارسی. پایه سوم. تهران: امیرکبیر.
فرشیدورود، خسرو (۱۳۸۳) درباره ادبیات و نقد ادبی. پایه دوم. تهران: امیرکبیر.
فرشیدورود، خسرو (۱۳۸۷) سیاست درست و غلط. نگارش و پژوهش در زبان فارسی. تهران: سخن.
کرآیی، میرجلال الدین (۱۳۸۴) معانی زبانشناسی. پایه سوم. تهران: مرس.
نظامی، حجت‌الله (۱۳۸۲) مخزن الاضرار. با تصمیم و حاوی نهایی دستگردی. به کوشش سید حمیدیان. تهران: پنجم، تهران: قطب.
راستی، احمد (۱۳۸۴) جواهرالبلاغات به معانی و بیان. پایه سوم. تهران: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.